

از مطالعه این نشریه در زمان تفیلا و فواندن توراہ فودداری فرمایید.

אברהם

۲۹ آو ۵۷۸۱

جهت حفظ قدوسیت این نشریه از دور انداختن آن فودداری فرمایید.

ראה

تفصیلاتی روشنگر

هاراو گالاتتی روحش شاد که یکی از شاگردان هآری زال بود ،
تعریف می‌نماید که یک بار به نزد هآری زال رفت و هآری زال به
هاراو گالاتتی فرمود:

"لکه‌ای روی پیشانی تو است."

فقط هآری زال توانست این لکه را روی پیشانی هاراو گالاتتی ببیند
، زیرا این لکه ، یک لکه معنوی بود که به سبب انجام یک گناه به
وجود آمده بود و این گناه روی پیشانی او نوشته شده بود و فقط
فردی که واقعاً از چشمان و دید خود محافظت می‌کند ، می‌تواند
چنین مواردی را ببیند.

در دوران قدیم افرادی بودند که واقعاً از چشمان خود محافظت کرده
و می‌توانستند ببینند که آیا ظرفی که مقابل آنها قرار دارد ، طویلا
شده یا خیر ، و یا کسی که مقابل آنها قرار دارد ، تغیلین گذاشته
است یا نه.

اول از همه درمی‌یابیم شخصی که میصوا یا گناه انجام می‌دهد ، فوراً
این مورد روی پیشانی او نوشته می‌شود و شخصی که چشمان پاک
و طاهر دارد ، می‌تواند این موارد را ببیند!

مورد دیگر این که باید بسیار مواظب چشمان خویش باشیم تا تصاویر
ممنوعه را نبینیم ، زیرا با دیدن هر تصویر ممنوعه ، فرد یکی از
میصواهای توراہ را زیر پا می‌گذارد. علاوه بر این ، نمی‌تواند متوجه
عمق میصواهای خد-اوند شود ، هم چنان که توراہ می‌فرماید: "ببین
من امروز برکت و نفرین را جلوی شما می‌گذارم"

خد-اوند ، عالم را آفریده و می‌داند بهترین مورد برای ما چیست ، از
این رو خد-اوند توضیح می‌دهد راه خوب و راه بد کدام است. پس

این پاراشا با این کلمات آغاز می‌شود:

"ببین ، من امروز برکت و نفرین را جلوی شما می‌گذارم."

چند روز دیگر تا ماه الول نمانده و در این شبات ، ماه الول را براخا
می‌کنیم که ماه خوب و خوشایندی باشد. یک ماه دیگر روزهای
جبروت و قضاوت روش هشانا ، کیبور و هوشعناربا فرا می‌رسند.

شخصی که خود را به صورت شایسته در ایام ماه الول آماده نماید و
اعمال خود را بسنجد ، با توبه به روزهای جبروت و قضاوت می‌رسد.

با دقت در اولین کلمه این پاراشا که توراہ می‌فرماید: "ببین". منظور
از دیدن فقط با چشم و دید معمولی نیست ، بلکه منظور از دیدن ،
توجه و تأمل کردن است. باید توجه نمود که خد-اوند ما را صدا زده
و توضیح می‌دهد دو راه در جلوی پای ما قرار دارند ، یک راه شخص
را به برکت و راه دیگر وی را به نفرین می‌رساند.

گاهی نمی‌فهمیم چطور میصواهایی وجود دارند که اصلاً به آنها توجه
نداریم و برای انجام آنها هیچ تلاشی نمی‌کنیم. علت این است که
متوجه نیستیم خد-اوند با ما صحبت می‌کند. برای دیدن این مورد ،
کافی نیست که فقط چشمان جسم ما سالم باشد ، بلکه لازم است
چشمان روح و روان ما نیز سلامت باشند.

برای مثال ، اگر شخصی عینکی روی چشم بگذارد که این عینک به
سبب لکه ، چربی و رنگ ، تار و کثیف است ، مطمئناً این شخص
نمی‌تواند به خوبی دیده یا حتی اصلاً ببیند. همچنین وقتی شخص
چشمان روح و روان خود را با دیدن تصاویر ممنوعه کثیف می‌کند ،
نمی‌تواند موارد روحانی را ببیند.

اگر در کیفیت و کمیت مطالب این نشریه (آی ، پیشنهاد و یا سوالی در امور هلافا و زندگی روزمره دارید از اتمام لطف

علت این است که چشمان روح و روان ما با دیدن موارد ممنوعه تیره و تار شده‌اند و به همین جهت نمی‌توانیم سخن و اوامر خد-اوند را درک کنیم. از این رو باید تلاش نمود که همواره مواظب چشمان خویش باشیم و از خد-اوند نیز درخواست نماییم در این مورد ما را یاری دهد.

چرا متوجه این مورد نمی‌شویم و باز هم به دنبال هوسها و غرایز خویش می‌رویم؟
برای مثال ، اگر شخص به نزد پزشک برود و پزشک به او بگوید: "فلان مورد را نخور و از فلان مورد پرهیز نما ، در غیر این صورت ، حال تو بدتر خواهد شد."
مطمئناً شخص به حرف پزشک گوش داده و از مواردی که وی گفته پرهیز می‌کند. پس چرا وقتی خد-اوند به ما دستور می‌دهد ، این مورد را نمی‌فهمیم و امر خد-اوند را انجام نمی‌دهیم؟!

توبه ، نیکی کردن و صداقا دادن

"توراه می‌فرماید خد-اوند رشوه نمی‌گیرد. حال شخص چه رشوه‌ای می‌تواند به خد-اوند بدهد؟ آیا در این دنیا موردی وجود دارد که شخص بتواند آن را به عنوان رشوه به خد-اوند بدهد؟!"
میدراش در پاسخ می‌فرماید:
"بلکه منظور به میصواهایی است که شخص انجام می‌دهد و توراه می‌فرماید شخص نمی‌تواند با انجام میصوا به خد-اوند رشوه دهد."
شخص نمی‌تواند بگوید:
"خوب ، من هر کاری که دلم بخواهد انجام می‌دهم و اشکال ندارد که قبلاً گناه کردم. حال من میصواهای بسیاری انجام می‌دهم و این به من کمک می‌کند."
این چنین نیست و ابتدا شخص باید توبه کند و فقط وقتی توبه نماید ، صداقا و اعمال نیک می‌توانند به او کمک کنند. ولی اگر راه غلط قبل را ادامه می‌دهد ، صداقا و نیکی کردن نمی‌توانند به او کمک نمایند.
همواره ، وقتی ربی خیمیم شمولویص روحش شاد می‌خواست درباره سختی قضاوت صحبت کند ، حکایتی که برای همسر هگائون ربی الياهو از ویلنا اتفاق افتاد را تعریف می‌نمود:
همسر ربی الياهو با یکی از دوستان خود صداقا جمع می‌کرد و به افراد فقیر شهر ویلنا کمک می‌نمودند. دوست وی از دنیا رفت و پس از مدتی به خواب همسر ربی الياهو آمد. در خواب ، همسر ربی الياهو از دوست خود پرسید:
"به من بگو قضاوت در دادگاه -الهی چگونه است؟"
آن دوست در پاسخ گفت:
"نمی‌توان توضیح داد که تا چه حد دین و قضاوت دقیق است و شخص برای هر عملی قضاوت می‌شود. اگر به یاد داشته باشی ، یک روز با هم در حال صداقا جمع کردن بودیم که یکی از دوستان خود را دیدیم و برای او دست تکان دادیم که همراه ما بیاید و او نیز در

هم چنان که گفته شد ، ماه آو به پایان می‌رسد و در این شبات ، ماه الול را براخا می‌کنیم که ماه خوب و خوشایندی باشد.
ربی ییسرائل از سالانط روحش شاد در کتاب اور ییسرائل تعریف می‌نماید در دوره وی ، وقتی در روز شبات قبل از ماه الول ، ماه الول را براخا می‌کردند ، همه جماعت از ترس بر خود می‌لرزیدند ، زیرا روزهای قضاوت نزدیک می‌شوند. شخصی که چنین احساسی دارد ، به دنبال راهی است تا رفتار و اعمال خویش را بهبود بخشد و گناهان خود را کفاره نماید.
در این پاراشا آمده است:
"اگر در محل سکونتی که خد-اوند به تو می‌دهد ، یکی از برادران تو فقیر باشد ، قلب خود را سخت ننما و از کمک به او دست خود را کوتاه نکن. دست خویش را برای او باز نما و هر چه کم دارد را به او بده."
شلومو هملخ در کتاب میشلی می‌فرماید:
"با نیکی و حقیقت گناه کفاره می‌شود."
وقتی نزدیک به روزهای قضاوت هستیم و می‌خواهیم این روزها را به خوبی پشت سر بگذاریم ، باید بیشتر به نیکی کردن و صداقا دادن توجه کنیم. ابتدا لازم است مفهوم این عبارت را درست بفهمیم.
هستند افرادی که فکر می‌کنند با نیکی همواره می‌توان گناه را کفاره نمود و با صداقا همیشه می‌توان از مرگ و بروز رنج و درد جلوگیری کرد. ولی در حقیقت این چنین نیست!
هم چنان که ربنو یونا در کتاب دروازه‌های توبه می‌نویسد ، ابتدا شخص باید توبه نماید و فقط وقتی که توبه می‌کند ، می‌تواند با صداقا و نیکی کردن ، گناهان خویش را کفاره نماید. ولی تا وقتی وی همان راه غلط قبل خود را ادامه می‌دهد ، نمی‌تواند با صداقا و نیکی کردن ، خود را نجات دهد.
در این باره میدراش توضیح می‌دهد:

در کتاب خینوخ آمده است: "شخص طبق اعمالی که انجام می‌دهد ، رفتار می‌کند." و به این صورت ، شخص به تدریج می‌تواند به نیکی کردن عادت نماید و وقتی به نیکی کردن به دیگران عادت می‌کند ، اگر روزی پیش آید که نتواند به شخصی نیکی نماید ، در آن روز ناراحت خواهد بود.

این تأثیر عمل نیکی کردن در ادامه پاراشا نیز ذکر شده بدین صورت که اگر تمام شهروندان یک شهر مرتکب به گناه بت‌پرستی شود ، ابتدا باید این مورد را بررسی نمود و اگر واقعاً افراد آن شهر بت‌پرست شده‌اند ، باید تمام افراد آن شهر را همراه با دارایی آن شهر نابود ساخت. در انتها توره می‌فرماید: "و خدا-وند به تو رحمت خواهد داد و به تو رحم خواهد کرد."

حال منظور از "خدا-وند به تو رحمت خواهد داد." چیست؟

اور هخیم هقادوش در تفسیر خود می‌نویسد:

وقتی شخص عملی را انجام می‌دهد ، این عمل بر او تأثیر گذارده و حال که قاضیان تمام این شهر را نابود کردند ، این عمل بر آنها تأثیر می‌گذارد و آنها بیرحم خواهند گشت. برای رفع این نگرانی توره قول می‌دهد که انجام این میصوا باعث بیرحمی فرد نمی‌شود ، بلکه خدا-وند از رحمت خود به شخص می‌دهد و رفتار شخص به سوی بیرحمی نمی‌رود.

در اینجا نیز ، کسی که عادت ندارد اعمال نیک انجام دهد ، با انجام اعمال نیک می‌تواند به این درجه برسد که نیکی کردن را دوست داشته باشد.

شخص باید بداند که از انجام عمل نیک و صداقا دادن ضرر نمی‌کند. گمارا تعریف می‌کند شخصی به نام ابا یودان بود که همواره صداقا می‌داد. از جانب الهی این فرد را مورد آزمایش قرار دادند تا رفتار او را در زمان فقری نیز بسنجند و به همین جهت ابا یودان بیشتر دارایی خود را از دست داد. یک روز ابا یودان متوجه شد دو عالم بزرگ توره ، ربی الیعزر و ربی یهوشوع در شهر هستند و صداقا جمع می‌کنند. ابا یودان نیز فوراً به خانه رفت و چند روز از خانه بیرون نرفت. همسر ابا یودان از او پرسید: "چرا چند روز است از خانه بیرون نمی‌روی؟"

ابا یودان در پاسخ گفت:

"دو عالم بزرگ توره از سرزمین ییسرائل به اینجا آمده‌اند و صداقا جمع می‌کنند. من همیشه به آنها صداقا می‌دادم و حال که وضع مالی ما خراب است و من نمی‌توانم صداقا بدهم ، خجالت می‌کشم با آنها روبرو شوم، پس ، تا وقتی که این دو عالم شهر را ترک نکنند ، من نمی‌خواهم از خانه بیرون بروم."

همسر ربی یودان در پاسخ گفت:

"از تمام ثروتی که داشتیم ، فقط یک مزرعه باقی مانده ، نیمی از این مزرعه را بفروش و پولش را به این دو عالم توره بده."

این صداقای جمع کردن شریک باشد. حتی این دست تکان دادن نیز نوشته شده و برای این عمل نیز مزد و پاداش تعیین کردند." هر کاری که شخص انجام می‌دهد ، چه خوب و چه بد ، با تمام جزئیات نوشته شده و در برابر آن قضاوت می‌شود.

هم چنان که هناوی می‌خا می‌فرماید: "شخص باید نیکی کردن را دوست داشته باشد."

وقتی شخص موردی را دوست دارد ، منتظر نمی‌ماند که آن مورد به سراغ او بیاید ، بلکه خودش به دنبال آن مورد می‌رود. در اینجا نیز شخص باید نیکی کردن را دوست داشته باشد ، هم اعمال نیکی که پیش می‌آیند را انجام دهد و هم خودش به دنبال نیکی کردن به دیگران باشد.

لازم به ذکر است نیکی کردن و صداقا دادن فقط با پول نیست ، گاهی با لبخند ، شخص می‌تواند میصوای صداقا دادن را انجام دهد. باید با خوشرویی به دیگران ، چه در خانه و چه بیرون از خانه لبخند بزند. درست است که مشکلات و گرفتاریهای بسیاری دارد که باعث اخم و عصبانیت شخص می‌شوند ، ولی افراد خانه و دیگران هیچ گناهی در این مورد ندارند پس نباید اخم و عصبانیت شخص را تحمل نمایند. پس باید با خوشرویی به همه لبخند بزنیم ، حتی اگر به سبب مشکلات ناراحت و عصبانی هستیم.

یک بار ربی خیم از بریسک روحش شاد با پیرمردی ساده نشسته بود و صحبت می‌کرد. مردم متعجب شدند که چطور ربی خیم از بریسک که چنین عالم بزرگی در توره است ، با یک پیرمرد هم صحبت شده ، پیرمردی که حتی الف ، ب نیز بلد نیست.

ربی خیم از بریسک در پاسخ فرمود:

"مگر این پیرمرد دل ندارد؟ مگر او گرفتاری و مشکلات ندارد؟ او با من درد دل می‌کرد و به دنبال فردی بود که به حرف او گوش دهد. پس من به حرف او گوش دادم ، او را دلداری و مشورت دادم."

گوش دادن به حرف دیگری و دلداری دادن به او یکی از اعمال نیک بسیار مهم است. زیرا فرد فکر می‌کند گرفتاریها و رنجهای وی بسیار عظیم هستند ، ولی وقتی این مشکلات را برای دیگری تعریف می‌کند ، می‌فهمد این گرفتاریها تا این حد هم که فکر می‌کرد ، سخت و عظیم نیستند. گاهی همین شنیدن مشکلات دیگری ، باعث می‌شود طرف مقابل احساس راحتی و آرامش نماید. به همین جهت این عمل ، نیکی بسیار بزرگی است. اگر شخص به نیکی کردن عادت ندارد و دوست ندارد به دیگران نیکی نماید ، تنها راه این است که نیکی کردن به دیگران را شروع کند ، بدون اینکه زیاد با خود بحث کرده یا کلنجار برود. در ابتدا این عمل ساده نیست که شخص از خود برای دیگری سرمایه بگذارد. مخصوصاً که نیکی کردن به دیگری از رفتارهای خدا-وند است و ما نیز موظف هستیم رفتار خدا-وند را برای خود الگو قرار دهیم.

ربی یعزر و ربی یهوشع گفتند: "ما فقط می‌خواستیم با او سلام و احوالپرسی کنیم."

ربی یودان شنید که این دانشمندان تورا در شهر هستند و فوراً به نزد آنها رفت و هزار سکه طلا به آنها داد.

وقایع بسیاری به مانند این وجود دارد که ثابت می‌کنند شخص هیچ گاه از نیکی کردن ضرر نمی‌کند.

در هر حال شخص باید بداند موقع نیکی کردن و صداقا دادن، نباید شخص مقابل را خجالت دهد، زیرا در این صورت، گناه او از میصوای صداقا بیشتر خواهد بود.

ربی الياهو هکهن از ازمیر تعریف می‌کنند در شهر وی، شخص ثروتمندی بود که وقتی به شخص فقیر کمک می‌کرد، سکه را به طرف او نمی‌برد، بلکه دست خود را باز می‌کرد تا شخص فقیر با احترام سکه را بردارد. به این صورت، فردی که از کنار این مورد را می‌دید، فکر می‌کرد شخص فقیر است که به آن ثروتمند کمک می‌کند و نه برعکس.

با فرا رسیدن ایام اول، بیشتر باید اعمال خود را سنجیده و اعمال خوب خود را نیز بررسی نمود که چطور می‌توان بهتر آنها را انجام دهیم.

آرزومندیم بتوانیم با توبه و اعمال نیک و صداقا، سال خوبی برای خود رقم زده و به زودی مزکی به نجات کامل شویم.

برگرفته از "مگید دواراو لیمقوب"

ربی یودان نیز نیمی از مزرعه فروخت و پنج سکه طلا به ربی یعزر و ربی یهوشع داد و گفت: "من دارایی خود را از دست داده‌ام، لطفاً برایم تفیلا بخوانید."

ربی یعزر و ربی یهوشع از او تشکر کردند و گفتند: "حتماً برای تو تفیلا می‌خوانیم، خداوند کمبود تو را جبران نماید."

فردای آن روز، ربی یودان همراه با گاو خود مشغول شخم زدن مزرعه شد که در حین شخم زدن، گاو ربی یودان با مورد سختی برخورد کرد، افتاد و پای او شکست. با وجود دست تنگی و شکسته شدن پای گاو، ربی یودان لب به شکایت باز نکرد و با کندن زمین بررسی نمود چه موردی باعث شکستگی پای گاو او شد. پس از کندن زمین، ربی یودان متوجه شد در آنجا یک گنجینه وجود دارد و وقتی ربی یودان این گنجینه را باز نمود، ثروت بسیاری را در آن گنجینه پیدا کرد. ربی یودان با خوشحالی گفت: "برای خوبی رساندن به من پای گاو شکست."

با فروش سنگهای قیمتی آن گنجینه، ربی یودان دوباره به ثروت خود برگشت و املاک و مزارع بیشتری خرید. پس از چندی، ربی یعزر و ربی یهوشع دوباره به شهر ربی یودان آمدند و خواستند با او ملاقات نمایند. خدمتکار ربی یودان گفت: "ربی یودان آنقدر مزرعه، املاک و گله حیوان دارد که تمام روز مشغول است و نمی‌توان با او ملاقات نمود، حتی ملاقات با پادشاه آسان‌تر از ملاقات با ربی یودان است."

مخاطبین ممتزم

هر روز به غیر از روز جمعه شیصور تورا به زبان فارسی اجرا می‌شود.

*صبح از ساعت ۱۱:۰۰ - ۱۰:۰۰ شیصور پند و اندرز

*بعد از پایان شبات از ساعت ۲۳:۰۰ - ۲۲:۰۰ پادشای هفته

شیصورها به صورت زنده از طریق کل هلاشون (קול הלשון) پخش می‌شوند. شماره: ۰۳-۶۱۷۱۱۱۱ داخلی ۷* و سپس ۲۲۲۵

قابل توجه خوانندگان گرامی

در مملهای ذیل امکان دریافت نشریه چاپ شده وجود دارد و به هیچ عنوان نماینده‌ای

برای جمع‌آوری کمک به نشریه ندارد:

* **یروشالیم:** گئولا، فیابان ملفی ایسرائل شماره ۲۵ فروشگاه آقای فرجیان

* **تل آویو:** فیابان علیا شماره ۲۳، آقای کهن فولادی ۰۵۴-۹۳۷۸۲۸۱ * **کفرسابا:** آقای مروטי کهن تلفن ۰۵۲-۳۵۶۱۵۲۹

* **ناتانیا:** آقای فرهاد تراشندگان تلفن ۰۵۲-۸۶۸۶۸۸۶ * **پیتار:** خانواده آقای نورانی تلفن ۰۵۴-۸۱۴۲۸۹۳۶

* **تارنمای:** پادشای هفته ۱ پادشای هفته ۲